

۳۸	۳۷	خطیب
۴۱	۳۹	دبیر
۴۴	۴۲	خزانه‌دار
	۴۵	امین خیریه
	۴۶	برادر راهنما
	۴۷	استاد تشریفات
	۴۸	نگهبان
	۴۹	کتابدار و بایگان
	۵۰	برادر مأمور موسیقی
	۵۱	سرایدار

تا ماده	از ماده	فصل سوم :
۶۴	۵۲	الف - جوینده - تنصیب - عودت - مستعفی
۶۷	۶۵	ب - ارتقاء - اعتلاء
		فصل چهارم - مقررات مالی
۷۶	۶۸	الف - عایدات
۸۰	۷۷	ب - مخارج
۸۴	۸۱	ج - دارائی
۸۹	۸۵	د - حسابداری
		فصل پنجم :
۹۵	۹۰	الف - تخلف - کیفر
	۹۶	ب - قدردانی
۹۹	۹۷	ج - استعفا
	۱۰۰	د - انحلال
۱۰۲	۱۰۱	ه - مقررات نهائی

### مقدمه

ماده ۱ - لژ مهر که در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۳۸ در شرق تهران تأسیس شده است تابع لژ بزرگ ایران می‌باشد.

ماده ۲ - بر طبق اساسنامه لژ بزرگ ایران اعضای این لژ آئین بنائی آزاد را از روی اصول موسوم به «سنژان» در سه رتبه شاگردی رفیق و استادی مجری می‌دارند و بنابراین لژ مهر از هر جهت قانونی و کامل می‌باشد.

ماده ۳ - تشکیل این لژ در حدود قوانین و مقررات کشور ایران صورت گرفته است.

ماده ۴ - هدف لژ مهر عبارت است از :

۱ - سعی در بالا بردن سطح فکری و اخلاقی اعضای خود

۲ - عمل به اصول بشردوستی و نیکوکاری.

۳ - کوشش در توسعه و تقویت دوستی و برادری میان اعضای خود.

۴ - کوشش در اجرای اصول مندرج در قانون اساسی لژ بزرگ ایران و اطاعت از دستورهای آن.

۵ - کوشش در تربیت و تهذیب اخلاق عامه.

۶ - بنایان آزاد وطن ایران بوطن خود از هر جهت علاقمند و وفادارند و دفاع از آزادی و استقلال و حفظ داخلی کشور را وظیفه مقدس خود می‌دانند.

## فصل اول

ماده ۵ - اعضای لژ مهر عبارتند از اعضای رسمی مجاز و افتخاری.

اعضای رسمی عبارتند از مؤسسين لژ و کسانی که بموجب مقررات این آئین نامه از راه تنصیب پذیرفته شده‌اند و با برادرانیکه باین لژ ملحق شده‌اند.

عضویت مختار افتخاری از طرف لژ با اعطاء رسمی اعطاء می‌شود که دارای رتبه استادی بوده و خدمات شایانی به بنائی آزاد و لژ مهر کرده باشند. اعضاء افتخاری

اعضائی هستند که از سایر لژها بعنوان افتخاری عضویت پذیرفته می‌شوند .  
 ماده ۶ - اعضای افتخاری دارای حقوق رأی مشورتی خواهند بود. اعضای افتخاری  
 بجلسات دعوت می‌شوند و از ادای حق عضویت معاف هستند .  
 ماده ۷ - بنایان آزاد که بستگی به لژ بزرگ ایران دارند و بابه لژهای دیگر  
 بستگی ندارند می‌توانند در جلسات لژ مهر حضور یابند مشروط بر اینکه قبلاً بوسیله  
 يك عضو رسمی باستاد لژ معرفی شده باشند . مهمانان عضو لژهای شناخته شده با  
 ارائه ورقه عضویت خود که منطبق با اصول باشد با اجازه استاد لژ پذیرفته می‌شود.  
 مهمانان مکلفند که انتظامات لژ را رعایت نمایند .

## فصل دوم

### تشکیلات لژ

ماده ۸ - تشکیلات لژ عبارت است از:

- |                                   |                       |
|-----------------------------------|-----------------------|
| ۱ - جلسه استادان                  | ۲ - جلسه رفیقان       |
| ۳ - جلسه شاگردان (جلسه عمومی)     | ۴ - شورای صاحب منصبان |
| ۵ - هیئت رهبری                    | ۶ - استاد لژ          |
| ۷ - کمیسیون تحقیق درباره جویندگان | ۸ - کمیسیون محاسبات   |
- تبصره - وظائف و اختیارات فوق در این آئین نامه تعیین شده است .

### جلسه استادان

ماده ۹ - جلسه استادان بعنوان مقام ارشد لژ دارای وظائف تفتیس و اداری  
 و قضائی می‌باشد .

### الف - وظائف تفتیس

ماده ۱۰ - فقط جلسه استادان در موارد زیر بحث کرده و تصمیم می‌گیرد:  
 ۱ - آنچه مربوط به رتبه استادی است .

۲ - آنچه مربوط به مراسم (Rituel) رتبه های سه گانه لژ می باشد .  
 ماده ۱۱ - جلسه استادان قبلاً در موارد زیر بحث نموده بعد بجلسه شاگردان  
 پیشنهاد می نماید :

۱ - طرحهای مربوط به آئین نامه و مقررات و همچنین دستورها و اوامری  
 که برای لژ اجباریست .

۲ - بحث و اصلاح و قبول یا رد طرح مراسم (Rituel) و تغییراتی که از  
 طرف هیئت رهبری پیشنهاد می شود .

ماده ۱۲ - برای انتخاب استاد لژ جلسه استادان سه نفر را نامزد کرده بجلسه  
 شاگردان پیشنهاد می نماید . همچنین پیشنهاد انتخاب صاحب منصبان و مقامات مهم  
 دیگر لژ و یا نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ به عهده جلسه استادان است .  
 پیشنهاد شوندگان باید در جلسه شاگردان به اکثریت آراء انتخاب شوند .  
 تبصره - هر استادی حق دارد درخواست رأی مخفی نماید .

ماده ۱۳ - جلسه استادان دستورهایی را که شورای صاحب منصبان برای  
 نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ یا به مجمع بنایان آزاد (Convent) پیشنهاد می کند  
 مورد بحث قرار می دهد و در صورت موافقت آنها را تأیید می نماید و بعداً گزارش  
 اقدامات آنان را می خواهد .

### ب - وظایف اداری

ماده ۱۴ - جلسه استادان عهده دار امور مربوط باخذ رأی و پذیرش در رتبه های  
 سه گانه و تعلیمات در رتبه سوم می باشد بشرط تصویب لژ بزرگ و بنام لژ می تواند  
 با مقامات بنایان آزاد وارد مذاکره شده قرار داد ببندد . در مورد استعفای عضوی  
 بحث کرده تصمیم بگیرد .

### ج - وظایف قضائی

ماده ۱۵ - جلسه استادان بعنوان مقام ارشد با اختلافات حاصله بین ارکان لژ  
 و یا اعضای آن رسیدگی کرده حل و فصل می نماید و در صورت لزوم امر را به شورای

اداری لژ بزرگ ارجاع می‌کند. رسیدگی به سوء تفاهم یا اختلاف نظر بین جلسه استادان و یکی از مقامات لژ یا بین یکی از این مقامات و استاد لژ به لژ بزرگ ایران ارجاع می‌شود.

ماده ۱۶ - جلسه استادان درباره برادرانی که از راه سوء نیت یا نفع شخصی از انجام وظیفه کوتاهی کرده یا دور از ادب و جوانمردی رفتار نموده‌اند یکی از طرق زیر اقدام می‌کند:

- ۱ - منع از حضور در لژ بمدت بیش از سه‌ماه
- ۲ - منع از انتخاب یکی از مشاغل لژ
- ۳ - عزل صاحب منصبی از مقام خود
- ۴ - برکنار ساختن از لژ

### جلسه رفیقان

ماده ۱۷ - جلسه رفیقان از استادان و رفیقان لژ تشکیل می‌شود و وظیفه آن عبارتست از مذاکره و اخذ رأی درباره ارتقاء شاگردان به رتبه و تعلیمات مربوط باین رتبه. برادران رفیق مکلفند در جلسات تعلیماتی رتبه حضور یابند.

### جلسه شاگردان (جلسه عمومی)

ماده ۱۸ - از اجتماع کلیه برادران استاد و رفیق و شاگرد جلسه شاگردان یا جلسه عمومی تشکیل می‌گردد. وظایف و اختیارات آن بقرار زیر است:

۱ - اخذ رأی درباره پذیرش اعضای جدید (اعم از جوینده و افتخاری یا عضو لژ دیگر).

۲ - اخذ رأی درباره پیشنهاد جلسه استادان دایر با انتخاب استاد لژ و انتخاب صاحب منصبان و انتخاب نمایندگان به لژ بزرگ.

۳ - اخذ رأی درباره تصام مسائل مالی و میزان حق عضویت یا پرداختهای احتمالی پیشنهاد شده.

۴ - بحث در حسابهای صندوق خیریه و تصویب آنها که بجلسه عمومی پیشنهاد می شود .

۵ - اخذ رأی در سایر امور مربوط به لژ با استثنای مسائل اختصاصی بجلسه استادان .

۶ - برادران شاگرد و رفیق مکلفند که در جلسه های تعلیماتی بنائی آزاد حاضر شوند .

ماده ۱۹ - برنامه جلسات لژ باقی در موضوع و روز و ساعت کار دو ماه به دو ماه تهیه و طبع می شود. این برنامه باید اقلاده روز قبل از اولین جلسه دو ماهه بوسیله پست به تمام اعضاء از روی آخرین آدرس که داده اند فرستاده شود .

ماده ۲۰ - برادران موظف هستند که سر ساعت مقرردر برنامه در محل جلسه حاضر شوند . بر حسب مقررات هنگام انجام مراسم در لژ باید تمام برادران حاضر در ردیفهای معین قرار گیرند .

برادرانی که نمی توانند در جلسه ای شرکت کنند قبلاً باید غیبت خود را کتباً یا بوسیله یکی از برادران با اطلاع استاد لژ برسانند .

ماده ۲۱ - اگر برادری شش ماه متوالی از حضور در جلسات لژ بدون خبر و عذر موجه غیبت کند مستعفی محسوب می شود .

برادران عضولژ که در مسافرت یا خارج تهران اقامت دارند هر شش ماه یکبار غیبت خود را با اطلاع استاد لژ می رسانند .

### استاد لژ

ماده ۲۲ - استاد لژ رئیس و رهبر لژ بوده و مجری قوانین و ستن اصلی بنایان آزاد و آگین نامه لژ بوده و ریاست کلیه اجتماعات لژ با اوست . استاد شخص اول لژ است . اختیاراتش مبنی بر اعتماد برادران لژ با اوست . هرگز بر تری خود راضا هر نمی کند و چون برای رهبری اشخاص برگزیده می شود باید صاحب صفات

لازم برای چنین مقامی باشد. بی نظری، راستی و ملایمت رفتار او موجب یگانگی و اتفاق برادران است.

ماده ۲۳ - در جلسه خاص که برای انتخاب صاحب‌منصبان تشکیل می‌یابد استاد لژ از بین سه نفر با کثرت آراء انتخاب می‌شود.

تبصره - تجدید انتخاب استادی ناسه دوره مجاز است.

ماده ۲۴ - استاد لژ بزرگ یا نماینده اوطی مراسم باشکوهی استاد جدید را در کرسی استادی مستقر می‌سازد.

ماده ۲۵ - هنگام تساوی آراء رأی استاد لژ قائم مقام اوقاطع است.

ماده ۲۶ - وظایف استاد لژ بقرار زیر است:

۱ - استاد همواره به تعلیمات اصولی بنائی در درجات سه‌گانه می‌پردازد.  
۲ - هرگاه در جریان سال به جهتی از جهات محل صاحب منصبی خالی ماند استاد جانشین او را تعیین می‌کند.

۳ - دیپلمها و تصمیمات لژ و صورت جلسات هیئت رهبری در شورای صاحب منصبان را با اتفاق منشی و ناظران امضاء و مهر می‌نماید.

۴ - به خزانه‌دار و امین خیریه حواله صادر نموده و اسناد هرینه را امضاء می‌کند.

۵ - در مواردی که استاد استحقاق برادری با شخص مستمتدی را تشخیص داد می‌تواند تا مبلغ دو هزار ریال باو کمک کند و بعد به شورای صاحب منصبان گزارش دهد.

ماده ۲۷ - استاد لژ در خارج از جلسات کتباً یا شفاهاً بشخصه یا با موافقت هیئت رهبری به برادرانیکه وظایف خود را بنحو احسن انجام داده‌اند تشویق و تمجیب می‌نمایند.

ماده ۲۸ - استاد لژ می‌تواند برای حفظ انتظامات برادران ذیل را از شرکت در جلسات لژ محروم سازد:

۱ - کسانی که با وضعی مخالف آداب و ظاهر نامناسب وارد لژ می‌شوند.

- ۲ - کسانی که با رفتار خود در نظم اختلال می کنند و یا از اطاعت مقامات رسمی لژ سر باز می زنند .
- ۳ - برادرانی که با هم اختلاف دارند تا هنگام رفع اختلاف و سوء تفاهم .
- ۴ - کسانی که تحت تعقیب کیفری قرار گرفته اند تا هنگام صدور حکم تبرئه یا منع تعقیب و یا مصالحه .
- ۵ - برادرانی که بدون عذر موجه حق عضویت خود را نپرداخته اند .
- ۶ - برادرانی که از طرف لژ در حال تعلیق هستند تا هنگام رفع تعلیق .

### هیئت رهبری

ماده ۲۹ - هیئت رهبری مرکب است از: استاد لژ - قائم مقام او - ناظران اول و دوم و خطیب . در موارد لازم دبیر یا خزانه دار نیز ممکن است دعوت شوند. تصدی امور لژ و اداره آن بعهده این هیئت است و در موارد فوری می تواند تصمیم بگیرد .

هیئت رهبری نماینده رسمی لژ نزد مقامات رسمی بنایان آزاد و مقامات کشوری می باشد.

ماده ۳۰ - هیئت رهبری در مسائل انتظام که رازداری در آن صلاح باشد می تواند به موجب مصلحت بینی بدون اطلاع مراجع دیگر عمل کند . در خصوص قبول اعضای جدید غور بیشتر کرده در مورد شکایات و اتهامات دقت وافی نماید .

### شورای صاحب منصبان

ماده ۳۱ - شورای صاحب منصبان تشکیل می شود از :

- |               |                     |
|---------------|---------------------|
| ۱ - استاد لژ  | ۲ - قائم مقام استاد |
| ۳ - ناظر اول  | ۴ - ناظر دوم        |
| ۵ - خطیب      | ۶ - دبیر            |
| ۷ - خزانه دار | ۸ - امین خیره       |



- ۹ - راهنما  
 ۱۰ - استاد تشریفات  
 ۱۱ - نگهبان اول  
 ۱۲ - نگهبان دوم  
 ۱۳ - کتابدار و بایگان  
 ۱۴ - مسئول موسیقی  
 ۱۵ - برادر سرایدار

تبصره ۱ - برای اجرای مراسم اقرار هفت صاحب منصب لازم است . تکثیر عده بسته بموارد احتیاج وعده اعضای لژ می باشد . مقامات مذکور می توانند معارفینی هم داشته باشند .

تبصره ۲ - استادان لژ که دوره ریاستشان به پایان می رسد حقاً عضو شورای صاحب منصبان می باشند و رأی آنها مشورتی است .

ماده ۳۲ - انتخاب صاحب منصبان قبل از خاتمه سال لژ در جلسه شاگردان که فقط باین منظور تشکیل می شود انجام می گیرد . تاریخ انجام تشریفات مربوط به مستقر ساختن آنان در مشاغل به عهده خود لژ است .

استاد لژ و صاحب منصبان برای مدت یکسال انتخاب می شوند و تجدید انتخاب آنان مجاز است لیکن هیچیک بیش از پنج سال در منصبی متوالی نمی مانند .

ماده ۳۳ - هرگاه صاحب منصبی مجبور به غیبت از جلسه بشود باید قبلاً استاد لژ را مستحضر سازد تا جانشین برای او تعیین کند .

هر صاحب منصبی که بدون عذر موجه سه مرتبه متوالی از جلسات شورای صاحب منصبان یا لژ غیبت کند مورد اخطار قرار می گیرد . در صورت دوام غیبت مقام او بلا متصدی تلفی شده جانشین برای او تعیین می شود .

### وظایف صاحب منصبان

ماده ۳۴ - قائم مقام استاد لژ هنگام غیبت استاد یا موقعیکه استاد این وظیفه را باو محول می دارد جانشین او می شود . او عضو هیئت رهبری می باشد .

ماده ۳۵ - در موقع غیبت استاد لژ و قائم مقام او ناظران جانشین آنان می شوند .

معمولاً هر يك نظم ردیف خود را بعهده می گیرند .

- ماده ۳۶ - امتیاز ناظران عبارت است از : ۱ - عضویت هیئت رهبری . ۲ - هنگام اجرای مراسم لژ با يك ضربه چکش از استاد لژ اجازه کلام می طلبد - ۳ - برای برادران ردیف خود از استاد لژ اجازه کلام می خواهد .  
تبصره - ناظران بدون اجازه استاد لژ ردیف خود را ترك نمی کنند تا آنکه جانشین برای ایشان تعیین شود .

خطیب باید شخصی ادیب و بافضیلت و خوش بیان بوده دارای فکر آزاد و بیطرف باشد . در مواقع اجرای مراسم سه گانه درباره اصول و مرام بنایان آزاد و مصالح لژ نطق کرده و به برادرانیکه به رتبه بالاتر پذیرفته می شوند از طرف لژ تبریک بگویند . هنگام بحث در مطلبی یا سخنرانی نتیجه آنرا اختصاراً بیان کرده با توجه باصول بنائی آزاد در آن اظهار نظر می کند .

ماده ۳۸ - خطیب همواره مترجم احساسات لژ بوده باعضای جدید حقوق و تکالیف آنانرا تعلیم می دهد . همیشه متوجه اجرای نظامات بنایان آزاد و آئین نامه لژ می باشد .

ماده ۳۹ - دبیر مسئول نگاهداری اسناد و دفاتر لژ است . نسخه مراسم لژ ( Ritual ) هرگز نباید از لژ بیرون برده شود .

دفاتر عبارتند از : ۱ - صورت جلسات رتبه های سه گانه - شورای صاحب - منصفان ۲ - دفتر ثبت تصمیمات و قطع نامه ها ۳ - پرونده ای که حاوی کلیه آئین نامه ها و اساسنامه ها و مقررات و تصمیمات لژ بزرگ ایران و استاد لژ بزرگ باشد ۴ - دفتر یا پرونده ضبط مراسلات ۵ - دفتر ثبت اعضای لژ بانام و نشان و تاریخ تولد و ورود و ارتقاء و اعتلاء و شغل و آدرس آنها ۶ - کتاب سیاهی متضمن نام کسانی که بعلت ارتکاب خطا و عملی برخلاف سوگند خود و برخلاف ادب و جوانمردی از لژ بنایان آزاد برکنار شده اند .

ماده ۴۰ - وظائف و تکالیف دبیر عبارت است از :

- ۱ - تهیه و ارسال دیپلم‌ها و تصدیق نامه‌هایی که بامضای مقامات رسمی و خود او رسیده باشد .
  - ۲ - تسلیم اسناد و مدارک و صورت‌های دیگر متعلق به لژ، به برادر مأمور بایگانی در موعد مقرر .
  - ۳ - بررسی آرشیو لژ با حضور استاد لژ .
  - ۴ - بامضاء رسانیدن تمام تصمیمات و مراسلات لژ .
  - ۵ - امضای بعضی مراسلات با قید اینکه «بدستور لژ یا استاد لژ» می‌باشد .
  - ۶ - ارسال نامه‌ها و مرسوله‌ها بامهر لژ .
  - ۷ - تهیه صورت مجلس هر جلسه آن و قرائت آن در جلسه بعدی .
  - ۸ - بدون اجازه استاد لژ نباید از اسناد و مراسلات لژ رو نوشت بردارد یا آنرا نزد خود نگاهدارد یا به کسی غیر مجاز تسلیم نماید .
  - ۹ - دبیر هر سال یا گزارش از فعالیت‌های لژ می‌نماید .
- ماده ۴۱ - در مقابل زحمات دبیر ممکن است پاداش برای او منظور گردد .
- ماده ۴۲ - خزانه‌دار اعانت‌دار لژ است و مسئول کلیه دارائی لژ اعم از نقدی، اوراق بهادار یا اشیاء قیمتی می‌باشد . او باید کلیه عایدات و مخارج را در دفاتر منظم درج کند . محاسبات باید هفتگی بر مدارک باشد که عواید و حق عضویت برادران در هر موقع تحصیل شود و باید نام برادر را در ادای حق عضویت کوتاهی کرده‌اند با اطلاع شورای صاحب‌منصبان برساند .
- ماده ۴۳ - هر گاه موجودی صندوق بالغ بر ۲۰۰۰۰ ریال گردد باید آنرا در بانکی که شورای صاحب‌منصبان تعیین می‌کند بگذارد . مبالغی که متعلق به لژ است جز با اجازه شورای صاحب‌منصبان و امضای استاد لژ و دبیر و خزانه‌دار نمی‌توان تغییر محل داد و بابت ارز و سرمایه دیگری تبدیل نمود .
- خزانه‌دار در آخر هر سال مالی گزارشی راجع به صندوق و دارائی لژ تهیه می‌کند و آنرا با بودجه سال آینده به لژ گزارش می‌دهد و محاسبات و دفاتر را برای

بررسی کمیسیون محاسبات آماده می‌کند .

ماده ۴۴ - برادر خزانهدار ممکن است پاداشی دریافت کند .

ماده ۴۵ - امین خیریه در پایان هر جلسه مبلغی بعنوان اعانه از برادران دریافت می‌کند و مراقبت می‌نماید که برادران پیش از ترك جلسه این عمل خیر را انجام دهند . پس از آن وجه موجود را با خزانهدار لژ شمرده بدبیر گزارش می‌دهند تا در صورت جلسه یادداشت کند . وجوه حاصل را در دفتر مخصوص ثبت می‌کند . هر نوع اعانه و کمکی باید با تصویب شورای صاحب منصبان واجازه استاد لژ باشد . امین خیریه بیش از ۲۰۰۰ ریال نزد خود نگاه نمی‌دارد و هزاد را با تصویب همان مقامات در حساب علیحده می‌گذارد .

امین خیریه موظف است از برادران بیمار عضو لژ عیادت کند و آنانرا در مواقع سختی و گرفتاری ملاقات نموده تسلی داده و دلجوئی کند .

ماده ۴۶ - برادر راهنما که باید از آداب و رسوم بنائی آزاد اطلاع کامل داشته باشد موظف است جوینده را پس از پذیرفته شدن و پیش از تنصیب در خارج از لژ ملاقات کرده از افکار و عقاید او جو یا گردد . هنگام ورود او را با طاق تفکر راهنمایی کرده تعلیمات و تذکرات لازم - در امور تنصیب را بار می‌دهد و او را آماده مراسم تنصیب سازد .

همچنین در موقع ارتقاء شاگرد بدرجه رفیقی و اعتلاء رفیق بیامه استادی آنانرا رهبری و آماده می‌نماید . رفتار برادر رهنما باید باوقار و رفق توأم باشد .  
ماده ۴۷ - استاد تشریفات عهده‌دار آماده ساختن و آرایش لژ برای انجام مراسم بوده و در اجرای تشریفات مراقبت می‌کند مقامات عالیقدر و مهمانان را بداخل لژ هدایت کرده جای هر يك را نشان می‌دهد .

بدستور استاد لژ برادران شاگرد موظفند برای آماده ساختن لژ به استاد تشریفات کمک کنند .

ماده ۴۸ - نگهبان اول و دوم هنگام تشکیل لژ نگهبانی بمهده آنهاست و

برای نظم و ترتیب لژ بااستاد تشریفات همکاری می کنند .

نگاهداری لژ و جلسات و اسباب و لوازم تشریفات وظیفه آنهاست .

هنگام مراسم در کنار دو ستون لژ می نشینند . برادران مهمان تازه وارد

را پیش از ورود به لژ درباره بنائمی آزاد امتحان می کنند و مدارك آنها را بررسی می نمایند .

هنگام اخذ رأی مخفی مهره ها را میان برادران تقسیم می کنند بعد با مراقبت جمع

کرده با استاد لژ تسلیم می دارند .

ماده ۴۹ - کتابدار و بایگان مأمور حفظ و ترتیب اسناد و اوراق و پرونده

های لژ می باشد . تنظیم کتابخانه و تهیه فهرست کتب نیز بعهده او می باشد .

ماده ۵۰ - برادر یکه مأمور موسیقی لژ است با موافقت شورای صاحب منصبان

وسایل لازم را برای اجرای موسیقی در حین انجام مراسم تشریفات لژ آماده می سازد .

ماده ۵۱ - برادر سرایدار نگهبان لژ و اوقات آن و مسئول نظافت و آبدارخانه

است .

وظایف او با قرارداد مخصوص معین می شود و مواجیبی در حق او تعیین می گردد

او باید تعهد بسیار دکه اسرار لژ را ابدأ فاش نکند .

## فصل سوم

الف: جوینده - تنصیب - عودت عضو مستعفی

ماده ۵۲ - کسانی در لژ پذیرفته می شوند که از حقوق مدنی و سیاسی بهره مند

بوده و در زندگی مستقل و بخود متکی باشند و از حیث معلومات و اخلاق و تقوی شایسته باشند .

ماده ۵۳ - درخواست یا پیشنهاد عضویت بکمسیون تحقیق مرکب از ناظر اول

و راهنما و دو برادر دیگر از هیئت رهبری و یک استاد خارج از این هیئت با انتخاب

جلسه عمومی تفویض می‌گردد .

ماده ۵۴ - معرف عضو جدید باید دارای درجه استادی باشد و ضامن جوینده بوده مزایای اخلاقی و شایستگی او را تضمین نماید و مسئول تعهدات مالی و رفتاری او در برابر لژ باشد .

ماده ۵۵ - جوینده در ضمن نامه از استاد معرف تقاضای کند که عضویت او را به لژ پیشنهاد کند . برادر معرف این درخواست را همراه شرح مختصری مبنی بر نظر خود درباره جوینده و سوابق و صفاتی که او را سزاوار ورود به حلقه بنامین آزاد می‌دارد به استاد لژ تقدیم می‌دارد جوینده باید اقل ۲۱ سال داشته باشد .

ماده ۵۶ - استاد لژ درخواست جوینده را در شورای صاحب منصبان مطرح می‌کند .

اگر این شوری معتقد باشد که جوینده دارای شرایط اخلاقی و شایستگی لازم و کافی نیست به معرف توضیه می‌کند که پیشنهاد خود را مسترد بدارد . در غیر این صورت درخواست را بجلسه شاگردان ارجاع می‌کند .

ماده ۵۷ - در صورتیکه در جلسه عمومی راجع به پیشنهاد اعتراض بعمل نیاید رئیس کمیسیون پذیرش از برادر معرف تقاضا می‌کند که جوینده شرح کامل خود را با ذکر محل سکونت و معلومات و شغل خود به همراه رونوشت شناسنامه و سه قطعه عکس ۶ در ۴ تهیه کند و با پس‌سش نامه‌ای که باو داده می‌شود پر کرده توسط برادر معرف به کمیسیون ارسال دارد . معرف برای جلب توجه راهنمائیهای مجاز را با اطلاع جوینده می‌رساند و نشریاتی را که برای شناسانیدن بنائی آزاد به اختیار است به او ارائه می‌دهد .

ماده ۵۸ - اسم و عکس و شرح حال جوینده از حین وصول تا هنگام اخذ رأی مخفی در لژ در معرض نظر برادران قرار داده می‌شود .

ماده ۵۹ - کمیسیون تحقیق می‌تواند عده‌ای را برای کسب اطلاعات کافی و جامع درباره جوینده مأمور کند . این گزارشها بعد از ورود جوینده نابود می‌شود .

ماده ۶۰ - رئیس کمیسیون تحقیق جوینده را به جلسه خصوصی که از خود او دور نفر از اعضای کمیسیون تشکیل شده است دعوت می کند و با او بحث می نماید تا معلوم شود که آیا او دارای صلاحیت و شایستگی ورود به جرگه بنیان آزاد هست یا نه و آیا با اصول بنائی آزاد و اجرای قوانین آن موافق است یا خیر .

ماده ۶۱ - پیش از آنکه رأی مخفی گرفته شود نتیجه این تحقیقات و اطلاعات جلسه رسمی شاگردان به اطلاع عموم می رسد . این جلسه باید اقل چهار هفته پیش از معرفی جوینده تشکیل شود . جلسه عمومی می تواند اخذ رأی را برای تحقیقات کاملتری بتأخیر بیندازد . هرگاه یک هفته آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده باشد درخواست رد شده تلقی می گردد و تا یکسال پس از تاریخ اخذ رأی می توان در آن باب تجدید نظر کرد .

ماده ۶۲ - هرگاه جلسه به قبول جوینده رأی دادتشریفات تنصیب او در جلسه خاص لژ به موجب قوانین و سنن بنیان آزاد بعمل می آید .

اگر جوینده تا شش ماه برای تنصیب حاضر نشد بعداً پذیرش او با تکرار تشریفات ماده ۶۵ و مواد بعدی انجام می یابد .

ماده ۶۳ - حق تنصیب و حق عضویت مقرر در آئین نامه و سایر تعهدات مالی لژ روز پذیرش پرداخت می شود .

ماده ۶۴ - پذیرفتن برادر عضو لژ مهر مستلزم آنست که برادر مزبور از لژ قبلی بصورت شرافتمندانه ای استعفا داده باشد و ثابت شود که هیچگونه مانعی برای قبول چنین استعفائی در آن لژ وجود نداشته است .

تبصره ۱ - پذیرفتن چنین عضوی مستلزم انجام تحقیقاتی است که در حق جویندگان مقرر است .

تبصره ۲ - برادرانی که از لژ مهر استعفا داده اند یا برادرانی که مدت متمادی فعالیت در بنائی آزاد را ترك کرده باشند بخواهند مجدداً وارد لژ بشوند پذیرفتن آنان منوط به انجام مقرراتی است که در حق جویندگان مجری است .

## ب : ارتقاء و اعتلاء

ماده ۶۵- ارتقاء به رتبه دو و اعتلاء به رتبه سه بایشنها معرف و دعوت شورای صاحب منصبان انجام می گیرد. حداقل مدت لازم برای ارتقاء یا اعتلاء یکسال است. در مورد استثنائی باید از لژ بزرگ اجازه خواست .

ماده ۶۶- برادرانیکه برای ارتقاء یا اعتلاء دعوت می شوند باید در طی این مدت رغبت و شوق مخصوص از خود به بنائی آزاد نشان داده و در جلسه ها همواره حاضر شده و از تعالیم رتبه خود و تاریخ بنایان آزاد و اصول اساسی آن اطلاعات کافی کسب کرده باشند . نیز قبلاً طرح معماری به لژ ارائه داده باشند. شاگرد یا رفیق قبلاً موضوع طرح را با اطلاع استاد لژ یا خطیب رساننده و آنرا تهیه نموده و حداقل یکماه قبل از تاریخ ارتقاء یا اعتلاء به استاد لژ تقدیم می دارد.

ماده ۶۷- ارتقاء و اعتلاء برادران پس از امتحان و اخذ رأی مخفی در جلسه رفیقان یا استادان با تشریفات خاص خود صورت می گیرد.

## فصل چهارم

### مقررات مالی

#### الف : عایدات

ماده ۶۸- عایدات لژ حاصل می شود از :

۱- حق تنصیب و ارتقاء و اعتلاء و ورود به برادری که از لژ دیگر پذیرفته می شود .

۲- حق عضویت

۳- پرداختهای فوق العاده در موارد لازم .

۴- هرگونه هدیه یا اعانه و موقوفه ای که از طرف برادران به لژ داده می شود.

۵- عایدات لژ از ثروت منقول و غیر منقول آن .



ماده ۶۹ - حق عضویت نباید کمتر از ماهیانه ۳۰ تومان و حق تنصیب ۲۰۰ تومان یا ارتقاء و اعتلاء هر يك ۱۰۰ تومان باشند .

ماده ۷۰ - تعیین میزان عایدات شماره های ۱ و ۲ و ۳ هر سال بایشتهاد شورای صاحب منصبان در جلسه عمومی شاگردان بعمل می آید .

ماده ۷۱ - پس از اینکه جلسه عمومی شاگردان میزان حق عضویت را تعیین کرد برادر خزاندهار چگونگی پرداخت و موقع آن را با اطلاع اعضای لژ می رساند .

ماده ۷۲ - هرگاه برادری در مدت شش ماه از پرداخت حق عضویت خودداری کند برادر خزاندهار توجه او را بانجام وظیفه جلب می کند . پس از آن هرگاه نتیجه ای نرسد ارسال دعوت به جلسات متوقف می گردد و ورود به لژها ناهنگام لژ میم وضع ممنوع می شود .

ماده ۷۳ - هرگاه برادری از عهده پرداخت حق عضویت بر نیاید با موافقت هیئت رهبری و شورای صاحب منصبان ناهنگام بهبود وضع از پرداخت حق عضویت معاف می گردد و حق عضویت او از صندوق خیریه تأمین می شود .

تبصره - شورای صاحب منصبان می تواند در حق برادری که دارای مقامات علمی یا هنری بوده و وجود او در لژ مغتنم شمرده می شود ولی وسائل مادی کافی فرا اختیار نداشته باشد تسهیلات و تخفیقاتی قائل شود .

ماده ۷۴ - از اولاد برادرانی که ناهنگام وفات عضو لژ بوده اند نصف حق تنصیب دریافت می گردد .

ماده ۷۵ - برادران ذیل از تخفیف خاص یا معافیت از پرداخت حق عضویت استفاده می کنند . بشرح زیر :

اول تخفیف ۵۰ درصد :

۱ - برادرانی که خارج از شرق تهران زندگی می کنند یا خارج از کشور اقامت دارند .

۲ - برادرانی که ۲۵ سال مداوم عضو لژ باشند و پیش بند نفره بایشان

اعطای شود.

**دوم معافیت .**

اعضای افتخاری لژ و برادرانی که چهل سال مداوم عضو لژ بوده و پیش بند طلائی به آنان اعطای شده یا بیش از هفتاد سال عمر داشته باشند .

ماده ۷۶ - هرگونه بخشش یا هدیه یا موقوفه از طرف برادران یا اغیار جزو ثروت لژ محسوب می شود مگر آنکه از طرف اهداء کننده یا واقف مصرف خاصی که مطابق اصول بشر درستی بنایان آزاد باشد برای هدیه یا موقوفه مزبور تعیین شده باشد .

**ب - مخارج**

ماده ۷۷ - وجوه حاصله منحصرأبهمصرف مخارج و تعهدات لژ خواهد رسید.  
ماده ۷۸ - خزانه دار در آخر هر سال مالی بودجه سال آتی را با کلیه مخارج و تعهدات پیش بینی شده و عایدات لازم تهیه می کند . این بودجه پس از بررسی شورای صاحب منصبان و تصویب آن برای رأی نهائی به جلسه عمومی شاگردان پیشنهاد می گردد .

ماده ۷۹ - خزانه دار مجاز است بدون تأخیر مخارج معمولی مصوب در بودجه را تأدیبه نماید . ضمناً موظف است اسناد هر بوطه را به امضای استاد لژ برساند . هرگونه مخارج فوق العاده فوری خارج از بودجه باید قبلاً به تصویب مقامات مسئول رسیده باشد :

- ۱ - استاد لژ ۵۰۰ تومان
- ۲ - شورای صاحب منصبان تا ۱۰۰۰ تومان
- ۳ - جلسه عمومی شاگردان بالاتر از مبلغ مذکور .

**ج - دارائی**

ماده ۸۱ - خزانه دار مجموع دارائی نقدی لژ مهر را با استثنای مبلغ مورد احتیاج با تصویب شورای صاحب منصبان در یکی از بانکها بنام لژ می گذارد .

ماده ۸۲ - اداره و حفاظت ثروت لثراعم از منقول یا غیر منقول بعهدده شورای صاحب منصبان است . شورای مزبور در صورت لزوم می تواند از بهره برداری از آن از راه نمائی برادران بصیر استفاده کند . خزانه دار برای دریافت عواید مراقبت لازم را به عمل خواهد آورد .

ماده ۸۳ - لث مهر می تواند مؤسسات خیریه یا فرهنگی و اجتماعی به نفع برادران لثرو یا عموم بنایان آزاد تأسیس کند . در صورت امکان و در مواقع مناسب اقدام به تشکیل سرمایه و صندوق مخصوص می نماید . اداده چنین سرمایه و صندوق ممکن است به کمیته های غیر از خزانه دار سپرده شود .

ماده ۸۴ - هیچگونه قرض یا مساعده از سرمایه صندوق لث داده نمی شود .

#### د - حسابداری

ماده ۸۵ - حسابداری لثرو به عهده خزانه دار است .

ماده ۸۶ - صورت حسابهای آماده برای رسیدگی به شورای صاحب منصبان تسلیم می شود . بعد به کمیسیون بازرسی محاسبات ارجاع می گردد . کمیسیون مزبور به مطابقت ارقام و اسناد حساب و موجودی صندوق رسیدگی می نماید و گزارش کتبی خود را با نظریاتی که دارد توسط شورای صاحب منصبان به جلسه شاگردان تسلیم می نماید . پس از آن این جلسه عمومی حسابها را به تصویب می رساند .

ماده ۸۷ - هرگاه اعتراض پیش آید حسابها برای تجدید نظر به شورای صاحب منصبان بر می گردد تا در مدت یک ماه گزارش مجددی به لثرو فراهم نماید .

ماده ۸۸ - کمیسیون بازرسی به حساب صندوق خیریه و نیز هر صندوق دیگری که از طرف لثرو ایجاد می شود رسیدگی کرده به طریق فوق گزارش می دهد .

ماده ۸۹ - اعضای کمیسیون بازرسی از طرف جلسه عمومی به مدت یکسال انتخاب می شوند و نباید عضو شورای صاحب منصبان باشند . اقلایکی از آنان برای سال بعدی مجدداً انتخاب می شوند .

## فصل پنجم

### الف : تخلف - کیفر

ماده ۹۰ - هرگونه شکایت یا اتهام باید کتبی بوده امضای شاکی را در ذیل داشته باشد. شکایات را هنگام اشتغال و جلسه لژ نمی‌توان ارائه داد.

شکایت يك شاگرد یا يك رفیق باید به امضای دو استاد نیز رسیده باشد.

شکایت بر علیه يك صاحب منصب با امضای دو استاد پذیرفته می‌شود.

شکایت بر علیه استاد لژ و هیئت رهبری و شورای صاحب منصبان باید به امضای سه استاد باشد.

شکایت باید عموماً خطاب به استاد لژ باشد و شکایت بر علیه شخص او تسلیم ناظر اول گردد.

ماده ۹۱ - هیئت رهبری با شورای صاحب منصبان در شکایات مطالعه دقیق به عمل می‌آورد.

پس از تفحص و تحقیق و استماع طرفین شکایت موضوع را در جلسه استادان مطرح می‌نماید. اگر با وجود کوشش جلسه استادان سازش حاصل نشود رأی نهائی خود را اعلام می‌دارد.

تصمیم جلسه استادان را می‌توان به توجه لژ بزرگ ایران ارجاع کرد.

رأی شورای اداری این مقام واجب‌الاجرا می‌باشد.

ماده ۹۲ - شورای صاحب منصبان می‌تواند اعضای را که رفتارشان مورد اعتراض و ایراد قرار گرفته است از سه ماه تا يك سال از ورود به لژ متع کند.

تخلفات مهم عبارتند از: افشای اسرار و آداب و مراسم و علائم و کلمات شناسائی متداول میان بنایان آزاد. توهین و تحقیر تشکیلات بنایان آزاد و مقامات مسئول آن.

کسیکه نظر به اتهامی تحت تعقیب دادگاهی قرار گیرد نارفع‌اتهام، از ورود به لژ

ممنوع است.

ماده ۹۳- ممکن است بر حسب اهمیت مورد مجازات انفصال در حق خاطی و متخلف برقرار گردد. سایر موارد انفصال عبارت است از:

۱- امتناع از پرداخت حق عضویت ۲- محکومیت دادگاهها بجرم خیانت یا جنایت .

ماده ۹۴- انفصال در جلسه استادان بعد از بحث و مشاوره به رأی مخفی با اکثریت دو ثلث میسر است .

ماده ۹۵- هر کس که مستوجب یکی از تصمیمات فوق بوده باشد حق دارد موضوع را برای دادخواهی به لژ بزرگ ایران رجوع نماید .  
تصمیم شورای اداری لژ بزرگ قاطع خواهد بود .

### ب - قدردانی

ماده ۹۶- از برادرانی که خدمات شایان به لژ مهر یا بنایان آزاد کرده باشند به یکی از طرق ذیل قدردانی بعمل می آید :

- ۱- تشکر استاد
- ۲- تشکر به نام لژ
- ۳- تشکر در جلسه عمومی یا بوسیله هیئت نمایندگی فوق العاده
- ۴- انتخاب عضویت افتخاری
- ۵- تشکیل جلسه فوق العاده به احترام شخص مورد نظر
- ۶- اعلام خدمات آن شخص به تمام لژهای تابعه
- ۷- برپا کردن مجسمه یا بنائی به نام او در داخل یا خارج لژ
- ۸- اعطای پیش بند افتخار یا نشان

### ج - استعفا

ماده ۹۷- هر عضوی اختیار دارد در هر موقع از لژ بطور دائم یا موقت به مدت يك سال استعفا بدهد . درخواست استعفا باید کتبی بوده دلائل آن به صراحت

و صداقت ذکر شده باشد. این استعفا به استاد لژ تقدیم می‌گردد.

استعفانامه پس از شورای صاحب‌منصبان و اظهار نظر آن به جلسه استادان احاله می‌گردد. جلسه استادان در صورتی که استعفا دهنده کلیه تعهدات خود را انجام داده باشد استعفا را «شرافتمندانه» والا به صورت استعفای ساده تلقی می‌نماید. ماده ۹۸- استعفا در صورتی پذیرفته می‌شود که عضو مستعفی تعهدات مالی خود را انجام داده باشد.

در غیر این صورت انفصال مورد توجه قرار می‌گیرد.

استعفا یا انفصال با اطلاع لژهای تابع لژ بزرگ ایران می‌رسد.

ماده ۹۹- شخص مستعفی یا منفصل ملزم است نشان - حمایل - پیش‌بند - علائم و کتب و مطبوعات بنائی را که از لژ دریافت داشته مسترد بدارد. ایضاً استعفا یا انفصال چنین شخصی را از هر گونه حق و مزایائی مشترک لژ محروم می‌سازد.

#### د - انحلال

ماده ۱۰۰- انحلال لژ وقتی صورت می‌گیرد که عده اعضاء به کمتر از دوازده نفر تقلیل یابد و از طرف شش تن از اعضاء کتباً درخواست شود.

درخواست انحلال باید در جلسه عمومی مرکب از تمام اعضاء مطرح گردد. دعوت اعضاء باید پانزده روز قبل از انعقاد جلسه صورت گرفته باشد.

رأی به انحلال مخفی است و با اکثریت دوثلث اعضاء تصویب می‌گردد.

دارائی لژ رانمی‌توان میان اعضاء تقسیم کرد. جلسه درباره مصرف آن برای مؤسسات خیریه یا عام‌المنفعه تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

#### ه - مقررات نهائی

ماده ۱۰۱- تجدید نظر در آئین‌نامه فقط در جلسه مخصوص که بدین منظور تشکیل می‌شود امکان پذیر است و برای این منظور رأی دوسوم اعضاء لژ لازم می‌باشد.

در صورت رأی به تجدید نظر شورای صاحب‌منصبان طرحی تهیه کرده پس از تصویب استادان به جلسه عمومی پیشنهاد می‌شود .

ماده ۱۰۲- این آئین‌نامه نباید منافعی با مراسم جاری در لث باشد و وقتی قابل اجراء است که به تصویب لث بزرگ ایران رسیده باشد .

این آئین‌نامه در جلسه عمومی شاگردان در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ به تصویب رسید .

استاد لث - سید حسن تقی‌زاده

دبیر لث - غلامعلی میکده

این آئین‌نامه در شورای اداری لث بزرگ ایران تصویب شد .

استاد بزرگ - عبدالله انتظام

دبیر بزرگ - تقی اسکندانی

# اتحادیه جهانی فراماسون ها L.U.F

یکی دیگر از سازمان های تابعه ، گراند لژ ایران که همه فراماسون های این گراند لژ در آن عضویت دارند ، « اتحادیه جهانی فراماسونری » است که به نام اختصاری ( لوف L.U.F ) خوانده می شود .

مؤسس این سازمان فراماسونی در ایران ، ابوالحسن حکیمی است که از پنجاه سال قبل تاکنون عضو لژ فراماسونری «الپینا» ی سویس می باشد . ابوالحسن حکیمی ، برادر ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) است که پس از خاتمه تحصیلات ، ابتدا در دبیرخانه جامعه ملل عضویت داشت ، سپس سه سال در تشکیلات ملل متفق سمت ریاست شعبه اقلیت ها را عهده دار بود و در مراجعت به ایران بنماینده گی دوره شانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب گردید . وی در تجدید فعالیت « جمعیت عامیون ایران » در



ابوالحسن حکیمی استاد ماسونی  
لژ الپینا سویس

سال ۱۳۲۷ شمسی نقش مؤثری داشت ، و سخنرانی مهمی تحت عنوان « فرم اگر » یا « اصلاحات زراعتی » ایراد کرد .



ابوالحسن حکیمی که از اعضاء مؤثر «زبان اسپرانتو» در سوئیس می باشد، در تشکیل لژهای مهر و آفتاب نقش مؤثری داشت و از چند سال قبل تاکنون، شعبه اتحادیه جهانی فراماسون ها را در تهران دایر کرده است. این سازمان فراماسونی در سوئیس تشکیل شده و شعبه خاورمیانه آن در بیروت مستقر شده است. همین شعبه به ابوالحسن حکیمی و چند فراماسون دیگر اجازه تأسیس این تشکیلات را در ایران داده است. در اینجا عین اساسنامه اتحادیه مذکور را نقل می کنیم:

## بنام معمار بزرگ جهان

### «اساسنامه اتحادیه جهانی فراماسونها»<sup>۱</sup>

ماده اول - «اتحادیه جهانی فراماسونها» جمعیتی است متشکل از بنایان آزاد «مجازر کامل»<sup>۲</sup> که مستقلاً و فرداً به این جمعیت می گردند. هدف آن ایجاد پیوستگی و توسعه روابط هم پیوستگی بین بنایان آزاد در تمام جهان است و خواهان ایجاد تحرك و جنبش منظم «برادری» بین افراد و اقوام می باشد.

پیل به این مرام به وسایل ذیل میسر است:

الف - تبادل نظر شفاهی و کتبی -

ب - انتشار مجله ای برای اطلاع برادران -

ج - تشکیل مجالس بحث و محاوره -

د - تشویق مرتب مداوم و هرگونه مجاهدت به منظور ایجاد یگانگی و پیوستگی و اتحاد بین افراد و توسعه برادری جهانی و همگانی -

ه - انتشار کتب و اسناد مربوط به اتحادیه -

۱ - La ligue Universelle de Francs-Maçons «LUF»

۲ - مقصود بنای آزادی است که به موجب مقررات اساسی تعیین شده و عضو لژ منظم و کاملی باشد تابع يك لژ بزرگه -

و - تشکیل مجالس سخنرانی در معالک مختلف .

ز - دعوت و مبادله برادران برای سخنرانی .

ماده دوم - این اتحادیه از هرگونه دخالت در امور و فعالیت‌هایی که مربوط به ابدیانس‌ها<sup>۱</sup> باشد احتراز می‌نماید و نیز در مسائل سیاسی و مذهبی رویه بیطرفی اختیار می‌کند .

ماده سوم - سمت عضویت در اتحادیه فقط به کسی داده می‌شود که با درخواست کتبی مدارک عضویت رسمی خود را در يك لٹر مجاز و کامل ارائه دهد . درخواست عضویت به این اتحادیه باید به هیئت رئیسه گروه محلی تسلیم شود و اگر در محل اقامت متقاضی چنین گروهی نباشد درخواست را به دفتر مرکزی اتحادیه می‌توان ارسال نمود .

ماده چهارم - اعضائی که اعمالشان مخالف مرام این اتحادیه باشد - بعد از اخطار قبلی - به موجب تصمیم شورای اداری و مشورت با گروه ملی مربوطه از اتحادیه طرد می‌شوند .

ماده پنجم - اعضایی که مستعفی می‌شوند ملزم هستند تصمیم خود را کتباً به دفتر گروه ملی خود و در صورت عدم آن به اداره مرکزی اتحادیه اطلاع دهند .

ماده ششم - اتحادیه متشکل است از اعضای رسمی و افتخاری . اعضای افتخاری بنا بر پیشنهاد شورای اداری توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و سهمیه‌ای نمی‌پردازند لیکن تمام مزایای يك عضو رسمی را دارا می‌باشند .

ماده هفتم - هیئت رئیسه برای مدت پنج سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و عبارت از نه عضو رسمی می‌باشد که از بین خود رئیس و دبیر و خزانه دار اتحادیه را بوسیله اخذ رأی انتخاب می‌نمایند . يك عضو دیگر را خود هیئت رئیسه از بین نه نفر منتخبه به سمت نایب رئیس انتخاب می‌نمایند .

مجمع عمومی می تواند علاوه بر نه نفر مذکور در این ماده، از رؤسای افتخاری یا اعضای افتخاری اتحادیه به عضویت هیئت رئیسه انتخاب نماید که با حق رأی در جلسات هیئت رئیسه شرکت کنند. هرگاه یکی از اعضای هیئت رئیسه در مدت تصدی کناره گیری کند هیئت رئیسه مجاز است جانشین او را از بین سایر اعضای هیئت رئیسه تکمیل نماید. مجمع عمومی این انتخاب را در جلسه بعدی تأیید می نماید.

ماده هشتم - رئیس و در غیاب او نایب رئیس نماینده اتحادیه در مقابل اشخاص ثالث می باشد و جلسات هیئت رئیسه و شورای اداری و مجمع عمومی را اداره می نماید. دبیر مأمور تنظیم صورت جلسات و مکاتبات است. خزانه دار مسئول اداره امور مالی است. گزارشهای آنها باید در اختیار مجمع عمومی گذاشته شوند، همچنین گزارش بازرسی های حساب.

ماده نهم - هیئت رئیسه بر فعالیت ها و امور مالی اتحادیه مباشرت دارد. هر يك از اعضای هیئت رئیسه می تواند به وسیله نامه یا با دادن وکالت به عضو دیگر نسبت به تصمیمات هیئت رئیسه رأی بدهد.

ماده دهم - مقر رسمی اتحادیه همان محل اقامت رئیس شاغل است.

ماده یازدهم - شورای اداری متشکل است از هیئت رئیسه - از رؤسای گروه ملی (ماده ۱۲) - از اعضای افتخاری (ماده ۶) و از اعضای مؤثر اتحادیه که نظر به شایستگی خاصی توسط مجمع عمومی بنا به پیشنهاد شورای اداری انتخاب شده باشند.

ماده دوازدهم - مجمع عمومی می تواند اعضای را به سمت نماینده اتحادیه در بعضی کشورها انتخاب نماید. هیئت رئیسه هم می تواند این نمایندگان را انتخاب کند مشروط بر آنکه مجمع عمومی بعدی این انتصابات را تأیید نماید. همینکه در يك کشور عدد کافی باشند با موافقت هیئت رئیسه يك گروه ملی می توان تشکیل داد. سازمان و اختیارات و تکالیف گروه ملی در آئین نامه هائی تدوین می شود که

باید به تصویب کمیته مرکزی برسد. الحاق به گروه ملی برای اعضائی که مقیم آن حوزه می‌باشند اجباریست. علاوه بر این اتحادیه روابط برادری بین بنایان آزاد تمام کشورها را طبق مدلول ماده يك تشویق می‌نماید و بدین منظور جمعیت‌های خاصی تشکیل خواهد داد که وظایف مخصوص بر عهده داشته باشند.

فعالیت این جمعیت‌ها بوسیله آئین نامدهائی که هیئت رئیسه تنظیم می‌نماید اجرا خواهد شد.

ماده سیزدهم - مجمع عمومی هر سال يك بار تشکیل می‌شود و عهده‌دار وظایف ذیل است:

- ۱ - تصویب گزارش سالانه و گزارش خزانه‌دار
  - ۲ - تعیین محل اجتماع و دستور کارکنگره و مجمع عمومی سال آتی.
  - ۳ - اتخاذ تصمیم درباره پیشنهادات واصله از هیئت رئیسه یا شورای اداری یا گروه‌های ملی یا اعضای پیشنهادات گروه‌های محلی و اعضاء باید ۱۵ روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی به هیئت رئیسه تسلیم شده باشد.
  - ۴ - اصلاح یا تغییر اساسنامه
  - ۵ - انتخاب هیئت رئیسه - انتخابات تکمیلی اعضای شورای اداری (ماده ۱۱) و انتخاب نمایندگان (ماده ۱۲).
  - ۶ - تعیین حق عضویت سالیانه و تقسیم آن بین هیئت رئیسه و گروه‌های ملی
  - ۷ - تعیین بازرسی‌های حساب.
  - ۸ - انتخاب اعضای افتخاری.
- ماده چهاردهم - اخذ آراء در مجمع عمومی برای موضوعات مشروحه در ماده ۱۳ علنی و به اکثریت مطلق اعضاء حاضر می‌باشد. اخذ رأی مخفی با پیشنهاد دو نلث از اعضاء صاحب رأی قابل اجرا می‌باشد.
- هرگونه تغییر در اساسنامه باید به اکثریت دو نلث از رأی دهندگان حاضر

در جلسه صورت گیرد .

ماده پانزدهم - اتحادیه زبانهای زنده مهم یا اسپراتو را مورد استفاده قرار خواهد داد .

ماده شانزدهم - انحلال اتحادیه فوقی امکان پذیر است که دو نلت از اعضای حاضر در مجمع عمومی به آن رأی داده باشند .

نحوه مصرف موجودی و دارائی اتحادیه در مجمع عمومی به اکثریت نسبی معین خواهد شد .

## فصل سی و دوم

### عقاید نویسندگان ایرانی

از روزی که کلمه «فراماسونری» و «فراموشخانه» به زبان فارسی راه یافت، همواره ایرانیان با آب و تاب فراوان از این مجمع اسرارآمیز یاد کرده و شاید هم اکنون نیز نظیر چنین افکاری درباره این سازمان وجود داشته باشد. از اوایل قرن هیجدهم میلادی هر وقت نویسندگان ایرانی درباره «فراموشخانه» بحث می کردند و با مطالبی می نوشتند بیشتر نوشته ها و افکار آنها جنبه افسانه و حکایات عجیب و غریب داشته و کمتر توانسته اند به واقعیت پرداخته و مطالب عمیق و صحیحی تهی کنند.

در يك قرن اخیر به خصوص در سال های گذشته، که همیشه فراماسون های ایران مصدر کارهای بزرگ بوده و در دولت، مجلس، مقامات دولتی و حتی روحانی نفوذ کرده و شاعل حساس ترین مقامات بوده اند، تصورات و نظرات نویسندگان نیز درباره آنها عوض شده، همه اعضای این فرقه را عامل انگلیس ها دانسته و معتقدند که سازمان فراماسونری ایران شعبه ای از دولت و باوزارت خارجه انگلستان در ایران است. نظرها، گفتارها، مقالات و کتبی که در زبان فارسی علیه فراماسونها ایراد و منتشر شده و می شود همه بلا جواب مانده و در تمام دوران ۱۵ ساله اخیر،

فراماسونها همواره سکوت کرده و هیچ‌گاه حاضر نشده‌اند درباره اوهام و خرافات، اتهامات و نسبت‌های روا یا ناروایی که به آنها می‌زنند، در مقام جواب‌گویی برآیند.

در مدت یک‌صده و پنجاه سال اخیر، فقط یکبار در محفلی که عده‌ای از فراماسونها گرد آمده بودند، یک‌کنفر حاضر شد، درباره فرقه ماسونی در ایران و جهان سخن گوید و معلومات خود را در اختیار افکار عمومی بگذارد. این شخص محمود عرفان قاضی عالی‌مقام وزارت دادگستری است که در جلسه سخنرانی هفتگی حزب عامیون در سال ۱۳۲۷ درباره فراماسونها نطق مختصری ایراد کرد که خلاصه گفتار او در مجله بنما<sup>۱</sup> چاپ شده و در قسمت دیگر این کتاب نیز از این سخنرانی فکری شده است.

اطلاع از نوشته‌ها و نظرات مورخین و هم‌چنین نویسندگان و دانشمندان معاصر، به‌خصوص از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون، تا اندازه‌ای مهم و قابل توجه است. به‌همین جهت تا آنجا که امکان دارد خلاصه‌ای از مقالات و گفتارها و نظریات و عقاید دانشمندان و نویسندگان معاصر را جمع‌آوری کرده و به نظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم:

نصیر الدین میرزا فرصت حسینی شیرازی در کتاب  
دیو و جن و نحو و صرف خط آریا و مختصر جغرافی هند، که پس از  
عفریت مسافرت به هند نوشته در باره فراماسونری چنین  
می‌نویسد:

«در این هفته می‌خواهم بروم (فری‌مسن) فراموشخانه اگر خدای تعالی بخواهد  
شاید از آنجا هم چیزی نوشتم سابق بر این دوپست روپیه می‌گرفتند شخص را  
داخل می‌نمودند حال ارزان‌تر شده یک‌صد و پنجاه روپیه می‌گیرند یکی از دوستان

۱ - مجله بنما شماره‌های ۱۰ تا ۱۲ سال دوم

۲ - نحو و صرف خط آریا و مختصر جغرافی هند قسمت دوم ص ۸۲

واقعی میل کرده از روی فتوت آن وجه را (در حقیقت ضرر را متحمل شود) مرا برده  
سیر دهد و خودش رفته است نام او را در اینجا نوشته بودم از در داخل شد از دیدن  
نام خود متغیر گردید فرمود نامی از این گمنام مبر لهذا حاك نموده نگاهشتم والسلام.  
پیش از اینها مرد مغرضی کتابی در باب فری مسن نوشته به طبع رسانیده بود  
اشکال عجیب و غریب (دیو و عنقریب و جن) کشیده مذکور داشته بود که در آنجا این  
اشکال را به نظر شخص جلوه می دهند و برخی مهملات بهم بافته انتشار داده بود  
اصلا این مطالب حقیقتی ندارد و بعضی که گویند رفتن در آنجا موجب بی دینی و لامذهبی  
است از روی بصیرت نگفته اند مردمانی که فری مسن رفته اند می بینم برودع و زهد  
و دیانت و امانتشان افزوده جز طریق محبت و مودت به بنی نوع خود رفتار ندارند  
و احدی را نیازارند و زیردستان را دستگیری نمایند. از برای این تشکیل سی  
وسه درجه است تا نه (۹) درجه آن در بمبئی برقرار است زیاده از این در لندن و  
پاریس ترتیب داده شده که در بمبئی میسر نبوده و اسبابش ناموجود هر درجه را  
نامی است مخصوص :

۱ درجه اول را (انترد اپر تیس) نامند یعنی دخول شاگرد بر استاد

درجه دوم را (فکوگراف) گویند یعنی رفقای هنرمند

درجه سیم را (مستر مسن) خوانند یعنی معمار یا مهندس

و این هر سه درجه را الاج می نامند و شش دیگر را (چپتر) می خوانند و فری -

مسن که نام تمام این اداره است معنیش مهندس یا معمار از او است و بنای این کاردر

زمان بنای بیت المقدس شده و آنچه معلوم می شود معمار بیت المقدس هم آن خانه

را برای همین مقصودی که حالا دارند بنا نهاده بوده ...»

دانشمند فقید محمود محمود نویسنده کتاب «تاریخ

روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» در

مجلدات پنجم و هفتم کتاب خود، در باره فراماسونری در جهان

نوشته های

محمود محمود





استاد فقیہ محمود محمود

و ایران مطالب فراوانی نوشته است.<sup>۱</sup> در این جا برای نشان دادن افکار و عقاید و نظرات يك مورخ و نویسنده ایرانی، قسمتهائی را که زائیده افکار اوست عیناً نقل می‌کنیم، و از ذکر قسمتهای تاریخی، سیاسی و آنچه که از کتب و آثار دیگران اقتباس و نقل کرده است، خودداری می‌شود:

«از تاریخ عملیات اولیه مجامع فراماسون پیدا است که در بدو امر خیلی ساده و مخصوص یکمده از طبقات بنا و عمله و کارگران آزموده و مفید بود که بطور آزاد در شهرهای معتبر اروپا برای ساختمان بنا و عمارات و غیره در دنبال کار بودند و این يك طبقه مخصوص را تشکیل داده بودند. بعدها رنگ مذهبی و سیاسی گرفت و صاحبان همت بلند مظاهر عالی، آنها را بدست گرفته، برای مقاصد سیاسی بکار بردند. رفته رفته قواعد نظامات برای آنها قائل شدند و جلسات و مذاکرات سری نگاهداشتند.

به مرور زمان اشخاص جاه طلب در آن محافل راه پیدا کرده اساس اولیه آنرا برهم زده از نو طرح دیگری ریختند و این محافل به هیئت‌های سری بسیار خطرناک مبدل گردید و هر موضوع خطرناک سیاسی بدست اعضای آن اجرا می‌شد بعدها همینکه روح ملیت در اروپا استحکامی پیدا می‌کرد این مجامع نیز رنگ ملی آن ملت را می‌گرفتند که مختصراً شرح آن گذشت.

این اواخر دیگر بقدری این محافل خطرناک شد و عملیات آن بقدری وحشت-آور است که انسان از شنیدن و خواندن و اقدامات و عملیات آنها وحشت می‌کند. همینکه دول اروپا بفکر استعمار افتادند این محافل بهترین وسیله بود که توسط اعضاء آن می‌توانستند تولید اختلاف کنند و بافتاق و دوئیت میان سکنه آن مملکتی که بتصرف آن تصمیم گرفته بودند موفق شوند.

داعیان جسور و از جان گذشته زیاد باطراف عالم مخصوصاً به آسیا و افریقا روانه داشتند. مأموریت اینها در این زمینه‌ها بوده که آداب و رسوم آئین و مذهب و اصول

حکومت آنها را بناورینی که فقط خود این داعیان به آنها آشنا هستند ، درانظار  
سکته حقیر و بی اعتبار جلوه داده باعبارات دلغریب آنها را نسبت باصول زندگانی  
و حکومت ملی خودشان بدین و ناراضی کنند. این کلمه آزادی که در میان يك قوم  
یاملت جاهل بر زبانها افتد غافل هستند چه اثرات شومی در میان آن ملت ساده لوح  
تولید خواهد نمود .

کلمات سه گانه موهوم که عبارت از آزادی- برادری و برابری باشد يك آتشی در  
سال ۱۷۸۹ در اروپا بوجود آورد که خشک و تر هر چه بود سوخت و روح ملت فرانسه  
را طوری مسموم نمود که هنوز هم که هست از اثرات آن سم مهلك خلاص نشده  
است و ملت فرانسه بحال طبیعی خود عود نکرده است.

روشن کننده همین آتش همان اعضاء مجامع و محافل فراماسون بودند که بعدها  
رفته رفته شراره این آتش بتمام ممالک عالم سرایت نموده دنیائی را با آتش بیداد  
خود سوزانید، امروز هم يك دام بس خطرناکی است که تمام ملل مقتدر و غیر مقتدر  
را بوحشت انداخته است .

من بیش از این نمی خواهم در سر این موضوع معطل بشوم فقط می گویم همین  
آتش بعدها بخرمن هستی ایرانی افتاد و ملت ایران را سالها گرفتار انواع مصائب و  
محن نموده است. پس از آن دودمان آل عثمان را بخاکسترسیاه نشانید روسیه یکصد  
شصت میلیون نفوس را باشعله های سوزان خود غافلگیر کرده هستی آن ملت غیر  
مخرب و جاهل را به باد فنا داد و هنوز هم خاتمه پیدا نکرده است. من این تذکر  
مختصر را به موطنان خود می دهم که بعدها بیدار و هوشیار شده گول این شیاطین  
شیاد را نخوردند و به الفاظ فریب دهنده آنها گوش ندهند و به کتابهای شیرین و عبارات  
نفر آنها مفتون نشوند ، مجذوب نویسنده های آنها که دارای عنایین فضلا و علما  
و غیره هستند نگردند، این الفاظ و این عبارات و این نویسنده های عالم و فاضل  
آنهاست هستند که دنیا را با این کلمات شیرین و فریب دهنده اغفال نموده آتش فتنه و  
انقلاب را در هر سرزمینی دامن زده اسباب اسارت دائمی سکنه آنها را فراهم می آورند.

باور بکنید از آن روزی که عنوان فراماسون در این مملکت پیدا شد و محفل سری آنها با اشاره لندن در این سرزمین تشکیل گردید از همان روز بدبختی و سیه روزی ملت ایران شروع شده است .

همینکه ناراضی ها و ساده لوحان و بعدها طبقه شیاد و ماجراجو در اطراف این محفل گرد آمدند از آن روز اساس حکومت ایران متزلزل گردید و امنیت از مملکت ایران رخت بر بست .

اینک با این مقدمه که فوق گذشت من تعجب دارم چگونه این نسبت را به سید جمال الدین داده او راداعی و مبلغ يك چنین مؤسسه دانسته اند که در ایران و سایر ممالک اسلامی عامل آنها را تشکیل داده است . من امیدوارم ریشه این درخت فتنه و فساد که عالمی را زیر و رو نموده است از ایران برانداخته شده است دیگر محفلی باین نام و نشان در ایران وجود ندارد هر گاه خدای نکرده باز هم اثری از آن در این سرزمین وجود داشته باشد من بنام ایران و ایرانیان از هموطنان خود تمنی می کنم از دور این شیادان پیاشند و پیرامون آنها نگردند و برای یک نفر ایرانی خیانت از این بالاتر نمی شود که داخل یکی از این محافل دشمن بشود .

دانشمند فقید در جلد هفتم چنین می نویسد :

«... نمایندگان دولت انگلیس که در ایران مأموریت پیدا می کردند در همه جا از این برادران داشتند و سراغ هم می رفتند و یکدیگر را پیدا می کردند و با آنها سروسر داشته و باهم رایگان بودند .

انگلیسها این محافل را نه تنها در ایران بلکه در تمام ممالک آسیائی و افریقائی و سایر جاها داشتند . مأمورین رسمی دولت انگلیس دیگر در این ممالک غریبه نبودند ، برادران دلخواخته آزادی زیاد داشتند و آنها انگلیسها را دوست داشتند آنها را غریبه نمی دانستند . همینکه روبرو می شدند یکدیگر را می شناختند و باهم رایگان می شدند... و قتیکه انسان بطور دقت اعمال و شرح حال رجال درباری فتحعلیشاه ، محمدشاه و ناصرالدین شاه را مطالعه می کند ، می بیند تمام آنها مانند اشخاص فرسوده ، بی حال و بی علاقه ، مهمل و بیکاره هستند .

مثل این است که مقدرات آنها دست خودشان نیست . از خود اراده ندارند ، اینها نیستند که صاحب مملکت ایران هستند ، بلکه ایران صاحب دیگر دارد که غیر از شاه و صدراعظم است .

وقتی که می دیدند در یک روزی اعتمادالدوله را که یگانه مرد توانای ایران است در یک روز با تمام اعوان و انصار و اولادش نیست و نابود می کنند آنوقت بجای او میرزا شفیع را می نشانند رجال دربار در فکر فرو می روند و نمیدانند که او را برد و دیگری را آورد .

وقتی که میرزا ابوالقاسم قائم مقام را نمی گذارند یکسال صدارت کند و حاجی میرزا آقاسی را چهارده سال در صدارت حفظ می کنند پیداست که کار شاه نیست . هم چنین میرزا تقی خان امیر کبیر را با آن قدرت و توانائی از بین می برند و میرزا آقاخان لوری را در مسند صدارت می نشانند همه می فهمند که کار شاه نیست ، این دست و دیگری است که میرزا تقی خان را می کشد و میرزا آقاخان را بجایش می نشانند . آن تشریفات که برای دخول بمحفل فراماسون داده اند هر تازه وارد از مشاهده آن تشریفات مات و مبهوت می شود اختیار از کف او خارج است خود را در مقابل چیزهایی مشاهده می کند که از خود بی خود می شود ، در اینوقت است که از او قول و قرار می گیرند و تا آخر عمر به آن محفل خود را بسته می بیند و برگشت برای او نیست و او امر آن بدون چون و چرا باید اجرا شود تا به بهشت موعود که آزادی نام و تمام همه سکنه جهان در آن است برسند ، آنوقت است که آزادی ، برادری و برابری تمام روی کره زمین را خواهد گرفت .

در قرن نوزدهم چندین امام زمان برای ایرانیان تراشیدند ولی هیچیک جانی نگرفت ، پیروان میرزا علی محمد باب حتی دست بشمشیر هم بردند فایده نکرد چو آنکه در زمان حاجی میرزا آقاسی علم کردند ولی صدارت او دوامی نکرد محمد شاه مرد و حاجی خلاص شد ، رفت در حضرت عبدالعظیم بست نشست تا رندان اسباب مسافرت او را بختبات فراهم کردند . میرزا تقی خان امیر کبیر در دوره صدارت خود فتنه

باب را خوابانید و آنها را قلع و قمع کرد و خود او نیز برای سیاستی که در پیش گرفته بود وجودش غیر لازم بوده او را هم ازین بردند .

در زمان میرزا آقاخان نوری پیروان باب باز جلاش کردند ولی این بار سخت مجازات دیدند و دیگر قد علم نکردند ولی پرفسور براون تا این اواخر هم سنگ آنها را به سینه می زد و برای آنها همیشه نوحی خوانی می کرد...

... توسعه سریع و فوق العاده فراماسون در قرن هیجدهم بسیار قابل ملاحظه است بجه سرعت عالمگیر شد و بطور مؤثری آزادی فکر و عقیده توسط پیروان آن توسعه یافت. این يك مؤسسه سری بوده افراد آن به قید قسم غلاظ و شداد باید اسرار آنرا حفظ کنند. افراد این مؤسسه سری عقیده و ایمان راسخی به اصول و شعائر را در میان بشر عمومیت دهند تا آنها هم از نعمت آزادی، برابری و برادری بهره مند شوند. هر عضو ماسون وظیفه خود می دانست مبلغ از جان گذشته آن مؤسسه باشد.

آن کسبکه آتش فتنه را روشن می کند دود آن اول بچشم خود همان آتش -  
افروزمی رود و بعد بچشم دیگران در سال ۱۷۷۶ انقلاب از امریکا شروع شد چونکه محفل ماسونها سال ۱۷۳۳ در امریکا تشکیل شده بود و استقلال خود را اعلام کرد.  
علت عمده این انقلاب بیدادگری دولت انگلیس بود که مستعمر خود انگلیس بر علیه دولت انگلیس قیام کرد و خود را آزاد نموده و برای همیشه خودشان را از چنگال بی رحم آن دولت غدار رهائی دادند هنوز هم قلب هر انگلیسی از دست رفتن این کلنی داغدار است.

انگلیسها هرگز تصور نمی کردند این فتنه اول داعنگیر خود آنها گردد، مقصود آتش فتنه بود که جهانی را بسوزاند و خودشان ایمن بمانند ولی يك جرقه از آن بخرمن خود آنها افتاد. در سال ۱۷۸۹ این آتش بخرمن هستی ملت فرانسه افتاد در نتیجه آن انقلاب و حشمتك در فرانسه پدید آمد مانند وبا و طاعون بهترین رجال این ملت را درو کرد. قرنها باید بگذرد تا ملت فرانسه زبان این انقلاب را

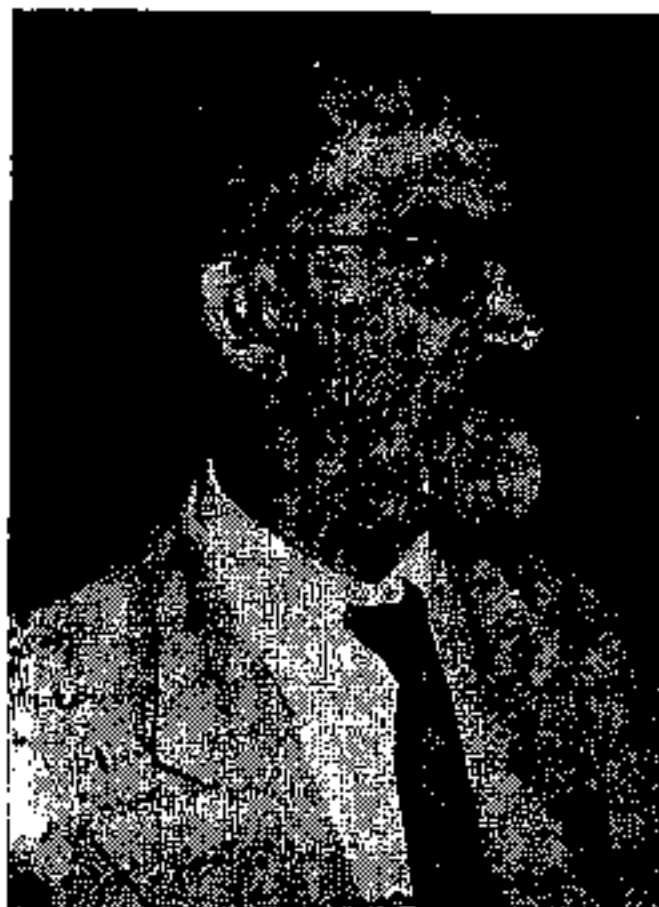
چهران کند و بحال طبیعی عود کند.

چه کسانی از آن انقلاب پر خوف و وحشت تعریف می کنند؟ همانها که پیرو اصول فراماسون بودند، همانها بودند که این آتش را افروختند و جان هزاران نفر را به خاک هلاک انداختند. آشوب ایتالیا، فتنه اسپانیا تمام تحریکات فراماسونها بوده اول تون هابس می نویسد «لذرای فراماسون مراکز مناسب و جاهای امن برای تبلیغات بود. آزادیخواهان که روابط بسیار نزدیکی در میان ملت اسپانیول پیدا کرده بودند، می توانستند بواسطه علائم و اشارات و طرز مخصوص دست دادن اسامی و الفاظ سری و رموز، بدین وسائل آزادی، برابری و برادری را بملت اسپانیول تعلیم بدهند، در میان عناصر لامذهب و ضد روحانیت حتی در میان احبمنصبان قشون این نهضت توسعه یافت نا اینکه درگشتی اسپانیول جنگ داخلی شروع گردید ...»

استاد سعید نفیسی در کتاب «نیمه راه بهشت» در آنجائیکه از دستگاه اینتلجنس سرویس و جاسوسی انگلستان بحث می کند، چنین می نویسد:

طریقات و عقاید  
استاد سعید نفیسی

«این دستگاه همواره با فراماسونهای فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته است و با زیر دستی خاصی فراماسونها را در هر جای ایران منع خود بکار انداخته و آنها را کورکورانه باطاعت و فرمان برداری محض درآورد کرده است. فراماسونها همیشه در همه جای جهان در پی مردم متوسط، اندک ثروت، کوتاه نظر و ظاهر پرست گشته اند ... شاید هزاران هزار فراماسونهایی در اطراف جهان بوده اند که صادقانه با کمال خلوص و صفا باین دستگاه پیوسته خدمت کرده اند و خود نمیدانسته اند که از کجا مأمورند و بسود چه کسانی بر میدارند. برای رسیدن باین نتیجه راه بسیار ساده طبیعی دارند و آن اینست همین دستگاه جنایت پرور و خیانت گستر مردمان بی استعداد متوسط را از جای



استاد فقیه سعید نفیسی

پست برمی کشید و بجای بلند می برد ... در ایران از روز نخست با مردمی که اصل و نسب درستی نداشته و از مال جهان جز دلی هوی پرست و طبیعتی جاه طلب چیزی با آنها نرسیده بود بنای سازش را گذاشته اند. گروه گروه مردم از طبقه پست را پر و بال داده یا جاه طلبی آنها را راضی کرده و یا مکامشان را تسلیم بخشیده اند ... در صد سال پیش فراماسونهای فرانسوی بوسیله یک ارمنی که دعوی مسلمانان داشت لژی در نهران دایز کردند. پیش از آن برخی از ایرانیان که در زمان فتحعلیشاه بعنوان فراگرفتن فنون جدید یا نمایندگی سیاسی با انگلستان رفته بودند با فراماسونهای لندن آشنا شده و عضویت این جمع را پذیرفته بودند ولی در بازگشت بایران تعصبهایی که در پیش بود مانع شده بود که عده بسیاری را یا خود یار کنند و تقریباً پنج ده سال این کوششهای جسته و گریخته ایرانیانی که در انگلستان فراماسون شده اند بجائی نرسید و سازمان منظم و پسا برجائی نتوانستند فراهم کنند .



در هندوستان و مخصوصاً در کلکته فراماسونهای انگلیسی دستگاہ وسیعی چیده بودند و گروه گروه مردم ملتان مختلف را با خود یار می کردند. ایرانیانی که بهند رفتند درین جمع نیز راه یافتند و در بازگشت بایران بیشتر در فارس و اصفهان و سایر اشل انتشار افکار فراماسونها و آن هم بیشتر در میان طبقه محدود و معینی فراهم شد.

مبلغان این فکر بیشتر تاجرانی بودند که برای سوداگری بهندوستان رفته در بازگشت این کالای نوظهور را هم با خود آورده بودند و برخی طلاب و واعظان اهل منبر بودند که بگفته خود برای ترویج عقیده خویش یا روضه خوانی در میان مسلمانان هند بآنجا رفته و در بازگشت این افکار را آورده بودند. اما هنوز نه شماره آنها در هند دلاوری شان بجائی نرسیده بود که بتوانند دستگاہ منظم فراماسونری انگلیس را در ایران بگسترانند.

گروهی دیگر از ایرانیان و بیشتر مردم آنر بایجان برای تجارت بخاک عثمانی و مصر می رفتند و در آنجا با فراماسونهای تربیت یافته فرانسہ آشنائی شدند و در قاهره و استانبول از آنها تعلیمات می گرفتند و در بازگشت به ایران این افکار را انتشار می دادند.

فراماسونهای دسته فرانسوی نخست از یکی از شهرهای استانبول الهام گرفته اند. جوانی از ارمینان جلغای اصفهان که بعدها می بایست درین گیلو دار سیاستاروپائی در ایران کارهای بسیار بکند و حتی در قلب در قمار و دلالتی گرفتن از خرید و فروشهای دولتی وارد شود و چنان مردم را از شعبده ها و تیرنگهای گوناگون خود خیره کند که حتی نسبت حقه بازی و تردستی مخصوص بار بدهند مأموریت پستی در سفارت ایران در استانبول داشت و مترجم فرانسہ آن سفارتخانه بود. این جوان ارمنی ملکم پسر میرزا یعقوب از بهترین و دلیرترین و با وفاترین پیشروان و پیشوایان فراماسونها در ایران بود که در استانبول او را تربیت کرده و به ایران برگردانده بودند تا مأموریت خود را انجام دهد ...

... فراماسونها خوب می‌دانند از حالت رعب مخصوصی که در اعضاء خود ایجاد می‌کنند چگونه برخوردار شوند ... دست آلوده چرکینی را می‌آورند، آلودگی و رسوائیش را بیادش می‌آورند و با او شرط و قراری می‌دهند که هر ساعت سر از فرمان پیچد فسفش آشکار خواهد شد ... اساس کار فراماسونها همواره در هر زمان و در هر کشوری بهره‌جویی و بهره‌یابی از مردم زبون و ناتوان سست پای سست دل سست رأی بوده است. در گام اول که می‌خواهند کسی را جلب کنند نخست آنچه می‌توانند درباره‌ی وی بحث و فحوص می‌کنند و می‌پرسند و می‌جویند تا مطمئن نشده باشند که آن مردست نشانده فرمان بردارشان خواهد شد او را بیازی نمی‌گیرند. سپس که تصمیم بجلب او گرفتند و شرط و پیمانها را با او استوار کردند و قلاده سنگین بردگی جاودانی را بگردنش گذاشتند انواع وسائل مادی کودک فریب ابله ترسان را درباره‌ی وی بکار می‌برند.

شب تاریک در پی او می‌روند، در وسیله نقلیه‌ای می‌نشانندش، چشمانش را تنگ می‌بندند، مدت‌ها و گاهی ساعتها در همان یکی دو خیابان او را می‌گردانند و بارها از این سو بآن سو می‌برند چنانکه آن مرد بیندازد که به مسافت بسیار دوری برده‌اندش.

در خانه که وارد شدند باز چندین باروی را در گرداگرد آن سرای می‌گردانند که حس تعین مسافت را بملی درو بکشند و او را کاملاً گیج و سرگشته بکنند. از پله‌هایی چندین بار بالا و پائینش می‌برند و سرانجام در زیر زمین تاریکی واردش می‌کنند. در سر راهش صندلی‌ها و میزهای متعدد چیده‌اند که پایش با آنها برخورد و باز رعب در دلش بیشتر شود. همیشه او را نشانند موسیقی بکنواخت و بی‌آهنگی که گوئی از کیلومترها مسافت می‌آید مدتی در گوشش شاف می‌شنند. در میان سکوت محض ناگهان تیری در پی‌گوش وی در می‌زنند و بملی حالت گشش اعصاب و اضطراب و خلجیان فکر و منتهای رعب و هراس را درو پیش می‌آورند. در همین میان کسی با صدای مصنوعی بسیار خشن و زننده او را مخاطب می‌کند.

با بانک هم و کلمات مقطع و کشیده و بریده از نام و نسب و جزئیات زندگی او نمی‌پرسند و آن اسراری را که از او بدست آورده‌اند جسته جسته در میان آن سخنران می‌گویند و بر او امید دارند که بدپرستهای او پاسخ صریح و درست بدهد و اسرار بکر را بر زبان بیاورد.

بدینگونه این مرد ابله بدبخت را بکلی زبون و دست نشانده و فرو دست کردند و ذره‌ای غیرت و مردانگی و جرأت و دلاوری و حس غرور و خودخواهی او باقی نمی‌گذارند.

بدین حالت چشمش را می‌کشایند و در پرتو بسیار ضعیف شمع گرداگرد وی دو صف گروهی نشسته و گروهی پشت سر ایستاده‌اند که همه سیاه پوشیده و هر یک افزاری بدست دارند و به ترتیب درجات و شونی که در آن جمع دارند نشسته‌اند ایستاده‌اند. پس از این که مجلس بهم خورد و فضا روشن شد و بحال عادی گفت تازه می‌بیند کسانی که گرد وی را گرفته بودند بیشترشان دوستان نزدیک معاشران قدیم او هستند که درین سالهای دراز دوستی و معاشرت اندک اشارتی در این اوضاع نکرده‌اند و عجیب‌تر از همه آن که خانه و صاحبخانه و محله همه را ندانند و می‌شناسد و پی می‌برد که در کجاست و چگونه است ...

... خدا داند که دستگاههای فراماسونری فرانسوی و انگلیسی در این دو دهان گذشته در گوشه و کنار جهان چه بهره‌ها و چه سودهای مردم گزای از این دستگاه و ازین بازی زشت مردم او باش برده‌اند ...

... فراماسونهای ایران هم تابع همین اصول و بازیگر همین میدان‌اند. برخی آنها که در جوانی سری پرشور و دلی پر آرزو داشته‌اند و نمی‌خواستند به همان زندگی محقری که برایشان فراهم بود قناعت کنند بدین دستگاه سر فرو آورده‌اند ...

۱- در این قسمت از کتاب ایامه‌راه بهشت کلمات زشت و زنده‌ای بکار رفته که چون بکار او آن زنانه است از نقل آنها خودداری شده و تنها اظهار عقیده و تشریفاتی که نویسنده به آن توجه کرده نقل شد.

... اگر از نزدیک وارد زندگی ایشان بشوید می بینید در خانه خود گوشه‌ای و ساعتی مخصوص بخود دارد که در آن جا بیگانه و نامحرم را جای نیست. همیشه اطلاقی یا پستویی و صندوقخانه و تاریک خانه‌ای مخصوص ایشانست که دیگران حق ورود بدان ندارند و چون خلوتگاه دیوان در قصبه هائیسست که برای کودکان می گویند. در ساعت معینی از شبانه روز بدانجا می روند و در را بروی خویش می بندند و چون صوفیان که در خلوت چله می نشینند و بمراقبه می پردازند آنها نیز بانفس - اماره خود خلوت می کنند و به مشورت می پردازند و عقل را بهمیانجی گری و قضاوت در برابر خویش می نشانند ...

... در هفته، روز معین و ساعت معین این آقای عزیز در میان انبوه شهرگم می شود و کسی نمی داند بکجا رفته است و هرگز زن و فرزندش هم کمترین اشارتی بدین ( غیبتهای صغری و کبری) ازو نشنیده اند. در خانه جعبه‌ای یا چمدانی و صندوقی و کشوی میز مخصوص او هست که کسی نمی داند در آن چه نهفته و چه امانت گذاشته است. روزی که مرگ بر سرش فرود آید ... و سرانجام کلیه اسناد بدست محارم افتد. یکی چند ورق احکام و فرمان های لژ که بزبان خود (دیپلم) می گویند و بسته بدرجائی که پیموده نشانها و امتیازات ماسونها و اگر بمقام بلند رسیده باشد حمایتهای آن بایک نسخه چاپی اساسنامه و نظامنامه لژ بیگانه میراث مرده آنهاست ...

دکتر میمندی نژاد در کتاب « حوادث » در باره فراماسنهای  
**دکتر محمد حسین** ایران چنین می نویسد :  
 « ... هیئت های حاکمه مزدوران سر سپرده فراماسونهای  
 مسلوب الاختیار و بیسوادی اکثریت مردم ایران اساس و پایه  
 نفوذ انگلستان در ایران می باشد .

کسانی که کتب سیاسی و اجتماعی نگارنده را مطالعه فرموده اند به خوبی

متوجه گردیده‌اند که برای متزلزل ساختن و فرو ریختن این پایه‌ها با صراحت مبارزه کرده‌ام. آنچه مرا وادار کرد باز هم به حاشیه بروم اینست که: پس از انتشار کتاب (مبارزه در راه حق ادامه دارد) بایکی از دوستان بدویدار یکی از فراماسونهای گوشه‌نشین که تازه از سفر آمده بود رفتم و کتاب را به او تقدیم کردم تا مطالعه کند. بحث تحت عنوان (سرم حقیقت) انقلابی در فکر و روحش ایجاد کرده بود. چند روز بعد که در تنهایی با آن پیرمرد که از بردن نامش معذور هستم<sup>۱</sup> روبرو شدم متاثر و مغموم در حالی که می‌لرزید و اشک می‌ریخت می‌گفت: شما بدون جهت تمام فراماسون‌ها را با یک چوب رانده‌اید خوب بود استثنائی قائل می‌شدید و وقتی قانون بدون استثناء امی شود چطور ممکن است در یک اجتماعی تمام اشخاص یک جور باشند شما خودتان نوشته‌اید: وقتی که دو اثر انگشت میلیاردها افراد هر شبیه نیست چگونه ممکن است طرز تفکر افراد شبیه باشد؟

گفتم: آنچه می‌فرمائید صحیح است. روی همین اصل بود که در کتاب در راه حق به صراحت نوشتم: (کسانی که وارد لژهای فراماسون می‌شوند ممکن است دل از ورود مردان باشرف و پاک و درستی باشند..)

در حالی که می‌لرزید گفتم: من به شما اطمینان می‌دهم اکثریت اشخاصی وارد این تشکیلات شده‌اند اشخاص باشرفی هستند. برای اینکه شما بدانید ای چه این اشخاص باشرف وارد این تشکیلات شده‌اند مانعی ندارد از مرام و بلکی که این جمعیت دارد باخبر باشید. همان‌طور که شما نوشته‌اید فراماسونری دنیا ریشه دوانده و در تمام کشورها این فلسفه با سرعت نفوذ یافته است. سرنفوذی فلسفه در بین مردم عالم از این جهت است که مرامنامه این جمعیت برای تمام مردم فهمیده عالم قابل قبول است و هر کسی آن را کامل می‌یابد.

این جمعیت بین‌المللی یک جمعیت کامل اخلاقی است و برای تأمین رفاه و خپاش مردم عالم تأسیس گردیده است و اگر به سرعت پیشرفت کرده برای این

۱ - این شخص بنا اظهار آفای دکتر میندی نژاد مرحوم فراگوزلو هم‌دانی بوده

است که پیروان این فلسفه خوبان عالم هستند. در بین ماسون‌ها اشخاص بی سواد هرزه و رسوا راه ندارند. من به کشورهای دیگر کاری ندارم در همین ایران افرادی از قبیل آیت‌الله سید محمد طباطبائی، شیخ ملاحادی نجم‌آبادی، حاج سید نصرالله تقوی، میرزا حسین خان مستوفی المعالک، مشیرالدوله پیرنیا، ادیب‌الملک فراهانی، علیخان ظهیرالدوله، کمال‌الملک، محمدعلی فرزین، ارباب کیخسرو، محمدعلی فروغی (ذکاء‌الملک) و امثال آنها در این سازمان بوده‌اند.

شما که پرونده و سوابق سیاسی اشخاص را از بایگانی‌ها بیرون می‌کشید و از زیر خروارها خاک بیرون می‌آوردید آیا شنیده‌اید این اشخاص دزدی کرده باشند آیا هیچ کجا خوانده‌اید که از این بزرگوارها خلافی سرزده باشد و یا عمل‌زشتی را انجام داده باشند؟

او منتظر بود جوابی به سئوالانش بدهم و چون سکوت مرا دید اظهار داشت: سکوت شما دلیل بر اینست که در برابر این سئوالات جوابی ندارید بدهید.

گفتم: سکوت مرا دلیل بر رضایت ندانید فرمایشات خود را بفرمائید تا بعداً جواب عرض کنم.

گفت: اصول و عقاید ماسونها در درجه اول اعتقاد به ذات پروردگار بگانه است او در نظر ما مهندس اعظم معمار اصلی است چون چنین ایمان و عقیده‌ای سرلوحه فلسفه فراماسون‌ها است پس از این جمعیت دارای تمامی مبانی اخلاقی می‌باشد.

فراماسونها تمام افراد عالم را برادر و برابر می‌دانند و کسانی که معتقد به ذات پروردگار می‌باشند ولو اینکه دین و مذهبشان با هم متفاوت باشد با یکدیگر برادر هستند. در بین فراماسونها آزادی و احترام به آن یکی از اصول اساسی را تشکیل می‌دهد. آزادی کار، آزادی مسکن، آزادی عقیده ارکان اصلی این

فلسفه می‌باشد. فراماسونها با اختلافات نژادی شدیداً مخالف هستند و اختلاف رنگ، پوست و تبعیضهای نژادی را بکلی متروک و همگی بیکدیگر به‌دریده احترام اظرا می‌کنند. فراماسونها در هر کجای عالم باشند دارای هر مذهب و نژادی که هستند همگی با هم برادرند و به اصطلاح با یکدیگر صیغه برادری خوانده‌اند. برای سالکین این طریقه ۳۳ درجه تعیین گردیده است ولی بین افرادی که درجات مختلف را دارند هیچگونه مزیتی وجود ندارد و همگی با یکدیگر برادرو برابر هستند.

هر شخص فراماسونی را که در نظر بیاورید دروغگو نیست، تابع قوانین است، بدزیردستان رتوف و مهربان است، بشر دوست است، طالب علم و فرهنگ است، علیه خرافات می‌جنگد. بخل و حسد و تنگ چشمی ندارد. خلاصه يك فراماسون مردوارسته از خود گذشته و دارای سجایای اخلاقی و ملکات فاضله است.

برخلاف تعبیر فارسی که کرده‌اند و فراماسون را فراموشخانه نامیده‌اند روان این فلسفه سعی دارند دنیای آزادی که روابط بین کشورها و افراد مختلف هماعات متفاوت یکسان و برابر باشد بسازند. شما فرانسه می‌دانید معنی لغت فراماسون در فارسی می‌شود (بنایان آزاد) هر کس دارای روح انسانی باشد و از بیعت بهره‌ای داشته باشد خواه و ناخواه در ساختن این دنیای آزاد شریک می‌باشد و شما هم با مبارزانی که می‌کنید همین‌راه را پیروی می‌نمائید.

شما در کتاب (بسوی او) که نوشته‌اید درجه ایمان خود را به مهندس اعظم و بار بزرگ یعنی ذات پروردگار اثبات می‌کنید. مبارزات شما در جمعیت ضد بیسم نشان می‌دهد که در راه برابر دانستن نژادها از مسلک فراماسونها پیروی کنید. شما با خرافات مذهبی از طرفی می‌جنگید و از طرف دیگر افراد سالک مذهب مختلف را در نزد خدا یکسان می‌دانید. این اصل هم یکی از اصول فلسفه فراماسونها است. شما علیه دیکتاتوری و زور و قلندری مبارزه می‌کنید و در راه

آزادی حاضرید جان خود را فدا کنید اینها تمام اصول فلسفه فراماسون‌ها است. شما هم خواسته و نخواستہ در جزو (بنایان آزاد) هستید. منتهی تفاوت شما با آنها که وارد در این تشکیلات هستند اینست که تشریفات وارد شدن به این محافل را انجام نداده‌اید.

اگر فلسفه فراماسونری بد است، شما و تمام افراد آزاده جهان هم بد هستید. آقای دکتر... باور کنید سرم حقیقت شما صحیح نبود و نسبت به افراد این جمعیت اخلاقی بی‌جهت چنین حمله ناروایی کرده‌اید. از شما بعید بود این چنین رفتار بفرمائید. شاید در نتیجه عدم اطلاع بوده است. در هر حال در نوشته خود تجدید نظر بفرمائید و به يك عده مردم شرافتمند به این پایه حمله نفرمائید و تهمت ناروا نزنید زیرا در برابر خداوندی که به آن ایمان و عقیده دارید اجر و پاداش خود را از بین می‌برید.

گفتم: فرمایشات سرکار تمام شد

اظهار داشت: تصور می‌کنم متقاعد شده باشید.

گفتم: در برابر عبارات زیبا و فریبنده سرکار هر کسی متقاعد می‌شود.

ولی...

گفت: اگر آنها را صحیح نمی‌دانید اعتراضات خود را بفرمائید.

گفتم: فلسفه فراماسون‌ها را شرح فرمودید. با توجه به سوابق فاعیای

سرکار اطمینان دارم مسلمان هستید زیرا مسلمان زاده‌اید. من هم قسم به ذات

پروردگار مسلمان‌زاده هستم و دین و آئین خود را برتر و بالاتر از سایر ادیان

می‌دانم. می‌خواهم از سرکار که مسلمان هستید سؤال کنم: آیا دین اسلام دین

برادری و برابری نیست؟ آیا در دین اسلام بین سیاه حبشی و سفید قریشی اختلافی

گذاشته شده است؟ آیا برای افراد مسلمان خدایگی نیست و به قول سرکار مهندس

اعظم و معمار بزرگ شریکی دارد؟ آیا مسلمان حقیقی از خرافات گریزان نیست؟

آیا فرد مسلمان دروغگو، ریاکار ممکن است باشد؟ آیا شخصی که ادعا می‌کند



مسلمان است نوع دوست، خیر، رئوف و مهربان نیست؟ آیا ممکن است شخص مسلمان طالب علم نباشد؟ آیا فرد مسلم علیه بی‌عدالتی و برای حفظ آزادی مبارزه نباید بکند؟ آیا در دین اسلام جهاد و ییکار کردن علیه زورگویان و متعديان و یا به اصطلاح امروزی مبارزه با دیکتاتوری فریضه اولیه نیست؟ آیا در آئین اسلام رعایت نکردن حقوق دیگران، احترام نگذاشتن به افراد دیگر عالم قید شده است؟ آیا آن همه مبارزه در راه اسلام برای این نیست که تمام عالم از آزادی و برادری و برابری و انتفاع از حقوق یکسان بهره‌مند گردند.

گفت: البته تمام اینها صحیح است.

گفتم: پس من برخلاف فرمایش سرکار جزو (بنایان آزاد) نیستم. من یک فرد مسلمان هستم و از شما تعجب می‌کنم با وجود این که کاملترین فلسفه‌های اخلاقی و اجتماعی در دین حنیف اسلام هست از فلسفه (بنایان آزاد) پیروی می‌کنید مگر مسلمانی چه عیب دارد و پیروی از آئین اسلام چه نقصی دارد که فرد مسلمان مجبور باشد از فلسفه فراماسونها پیروی کند؟

فکری کرد و گفت: شخص ممکن است هم مسلمان باشد و هم از فلسفه فراماسونها که با اسلام مخالفت ندارد پیروی کند. اثبات شیئی که نفی ماعدا می‌کند.

گفتم: فرض کنیم چنین باشد. پیغمبر اسلام چهارده قرن قبل آمد. مردم جهان را علناً به راه حق دعوت کرد، چون در راه حق می‌رفت و دسیسه‌ای در کار نبود احتیاج نداشت محافل و لژهای سری تأسیس کند و مردم را در خفا و پنهانی برای است گفتن، برای رئوف و مهربان بودن، برای دستگیری کردن از هموعان، برای شناختن ذات پروردگار، برای برادری، برابری، تساوی حقوق و بالاخره برای آزادی و دعوت کند.

تصور نمی‌فرمائید همین سری بودن محافل و لژها، همین مقررات سختی برای ورود اشخاص و پیوستن آنها به سالکین این طریق وجود دارد از دسیسه‌ای

حکایت می‌کند که از نظر افرادی که وارد می‌شوند پنهان می‌ماند .

گفت : چنین شبهه‌ای را هرگز بخود راه نداده‌ام

گفتم : بهمین جهت است که در روز ورود تعهد سپرده‌اید : ( بدون چون و چرا بلااراده فرامین لژ بزرگ را که در لندن است اجرا کنید و باسپردن این تعهد خود را مسلوب‌الاختیار نموده‌اید ) . ای آقای بزرگوار که سرم حقیقت بیشتری به قلبت زده و با این موه‌های سفید در برابرم اشک می‌ریزی آیا فکر نکرده‌ای که تحت این عبارات زیبا و فریبنده ، سرکار و امثال سرکار بدون اراده و چون و چرا برای معمار بزرگ و مهندس اعظمی که در لژها و محافل خود چشم آن را در مثلثی در بالای سر رئیس محفل نقش کرده‌اید و آن چشم چشم انگلستان است کار می‌کنید .

گفت : این چه حرفی است ، آن چشم چشم خدا است .

خندیدم و گفتم : خدا چشم ندارد ، تجسم‌دادن چشم خدا هم به آن شکل تصور می‌کنم انحراف از اصول مذهب است . شما که مسلمان هستید چرا چنین حرفی را می‌زنید ؟

فکری کرد و اظهار داشت : هر چه هست آن چشم چشم انگلستان نیست . گفتم : وقتی که فرامین و دستورات هر محفلی که در عالم باشد از محفل بزرگ که در لندن است می‌آید و تمام لژها و محافل از آنجا سرچشمه می‌گیرند و دستورات آنها را اجرا می‌کنند پس دنیای آزاد به دستور آن معمار و مهندس باید ساخته شود . شما بخواهید یا نخواهید نقشه طراحی شده توسط آن معمار و مهندس را عملی می‌سازند .

به عبارت دیگر سرکار آقا ایرانی هستید . ادعا دارید مسلمان می‌باشید و خواسته یا نخواسته ، عمله واکله‌ای بیش تشریف ندارید و چون مسلوب‌الاختیار می‌باشید و اراده‌ای از خود ندارید لذا به دستور مهندس اعظم و یا معمار بزرگ